

بازخوانی تحلیلی تطبیقی مواد پیمان صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه در گزارش‌های منابع فریقین تا قرن ششم

سعید کاظمی^۱
سیدحسین فلاح زاده^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین حوادث صدر اسلام و شاید مهم‌ترین کنش سیاسی امام حسن علیه السلام، صلح ایشان با معاویه بن ابی سفیان است. از اساسی‌ترین چالش‌های موجود در گزارش‌های مرتبط با آن، تفاوت‌ها و تناقض‌های حاکم بر گزارش‌های مواد پیمان صلح است. محققان برای دستیابی به گزارش‌های اطمینان‌بخش در این حوزه، از شیوه‌های مختلفی بهره برده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد، از شیوه مطالعه تطبیقی بین‌المذاهب در تحلیل مواد و تعهدات مندرج در آن - که احتمال می‌رود بخشی از تشتت حاکم بر آن ریشه در گرایش مذهبی مورخان و گزارشگران صلح داشته باشد - تاکنون استفاده نشده است.

این مقاله، در صدد برآمدن تا با شیوه تطبیق بین‌المذاهب، گزارش‌های مرتبط با مواد پیمان صلح را تحلیل نموده، ضمن دستیابی به گزارش‌های همسو و یکنواخت و رفع تشتت حاکم بر گزارش‌ها، میزان نقش‌آفرینی گرایش مذهبی مورخان در پیدایش اختلافات را ارزیابی نماید و در نهایت، بررسی‌ها حکایت از آن داشت که با بازخوانی گزارش‌ها بر اساس

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام (نویسنده مسؤول): sakah313@gmail.com

۲. دانشیار، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام: fallahzadeh@bou.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۹

گرایش مذهبی مورخان، تشتت حاکم بر آنها مرتفع گردید و البته نشان داده شد که صلح از منظر مورخان شیعه و اهل سنت، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد.

واژگان کلیدی

تاریخ تشیع، تاریخ تطبیقی، امام حسن علیه السلام، صلح، مواد صلح، معاویه بن ابی سفیان.

مقدمه

آنچه از گزارش‌های صلح برمی‌آید، آن است که حضرت حسن بن علی علیه السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، با بیعت کوفیان به خلافت رسید (أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۸۳). بلافاصله بعد از پایان بیعت گرفتن، ایشان اقدامات حکومتی خود را آغاز کردند. جزء اولین اقدامات، مقرری سربازان را افزایش داد (أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۶۴). همچنین، حضرت علیه السلام، عمال و امیرانی تعیین نمود و به شهرها فرستاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۴۲۶)، معاویه را به بیعت خویش فراخواند و در ضمن، مکاتبات مفصلی بین امام حسن علیه السلام و معاویه صورت گرفت که در برخی از منابع، به تفصیل بیان شده است (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹-۱۰؛ أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۶۳). وقتی با سرکشی و طغیان معاویه روبه‌رو شد، او را به جنگ تهدید کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹-۱۰؛ أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۶۳). همچنین، جاسوسان وی را شناسایی کرده، به قتل رسانید (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹؛ أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۶۲). اما با سستی و کاهلی کوفیان، به‌سختی توانست سپاهی را برای مقابله با طغیان معاویه تجهیز کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۲-۳۳) و در آخر، با عهدشکنی کوفیان، تنها ماند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۲-۱۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۹۰)؛ به‌ویژه خیانت عبیدالله بن عباس به همراه جمعی از نزدیکانش، سپاه کوفه را آشفته‌تر کرد. علاوه بر آن، نامه جمعی از سران کوفه به معاویه و اعلام وفاداری به وی، به همراه فعالیت جاسوس‌های معاویه و ایجاد شایعات، پیکره سپاه امام حسن علیه السلام را متلاشی کرد؛ بخشی از سپاه کوفه ضد او شورش نمودند؛ تا آنجاکه خیمه‌گاهش را به غارت بردند، سجاده از زیر پایش و ردا از دوشش کشیدند و او را مضروب و

مجروحش کردند (أبوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۷۱-۷۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۱-۱۲؛ ابن أعمش، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۸۷) و در نهایت، آن حضرت بعد از خیانت فرماندهان لشکرش، با بی‌وفایی و حماقت لشگریانش روبه‌رو شد و برای جنگ با معاویه، یارانی نیافت و تنها ماند. در نتیجه، به اجبار با معاویه صلح کرد و در قبال دریافت امتیازاتی، حکومت را به معاویه بن ابی‌سفیان واگذار نمود.

طبیعتاً حوادث و وقایع تاریخی را باید از دریچه گزارش‌ها، مورد مطالعه قرار داد و از طریق بررسی آن‌ها چگونگی تحقق اصل واقعه را درک نمود؛ اما متأسفانه به دلیل نقص‌ها و اختلافات موجود در گزارش‌های برجای مانده از حوادث، مطالعه آن‌ها با دشواری مواجه است. به نظر می‌رسد که گزارش‌های مرتبط با صلح امام حسن مجتبی علیه السلام و معاویه، به‌خصوص گزارش‌های برجای مانده از مواد پیمان صلح، از چنین وضعیتی برخوردارند؛ به عبارتی دیگر، گزارش‌های منعکس شده در منابع فریقین پیرامون ابعاد صلح، دارای اختلافاتی می‌باشند که سبب دشواری شناخت دقیق اصل حادثه هستند.

پژوهشگران در رویارویی با این اختلاف گزارش‌ها، باید روشی را جهت خروج از سردرگمی به کار گیرند. نگارنده این مقاله، بر آن است تا با روش تطبیقی (مقارنه‌ای)^۱ به

۱. محققان علوم اسلامی آگاه‌اند که مطالعات تطبیقی بین فریقین در حوزه‌های مختلف دانش‌های اسلامی مانند: فقه، اصول فقه، رجال و یا کلام، قرن‌ها با فرازونشیب در جریان بوده است؛ به‌عنوان نمونه، در فقه تطبیقی (فقه مقارن یا الخلاف) می‌توان به «الإعلام» شیخ مفید، «الإنصاف» و «الناصریه» سید مرتضی، «الخلاف» شیخ طوسی، «خلافیات» بیهقی حنفی، «اختلاف الفقهاء» طحاوی و «اختلاف الفقهاء» طبری، تا پژوهش‌های معاصر همچون «الفقه علی المذاهب الخمسه» محمدجواد مغنیه اشاره کرد. هرچند در اصول فقه پژوهش‌های مقارنه‌ای به میزان پژوهش‌های تطبیقی در فقه صورت نگرفته است، اما این حوزه نیز به‌ویژه در عصر حاضر، دارای پژوهش‌های ارزشمندی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «المهذب فی علم اصول الفقه المقارن» عبدالکریم نمله، «الأصول العامة للفقه المقارن» محمدتقی طباطبایی حکیم، «موسوعة اصول الفقه المقارن» - که مجمع جهانی تقریب مذاهب منتشر کرده است - و کتاب‌های متعدد دیگری که می‌توان از آن‌ها نام برد. در حوزه تفسیر نیز در قرون متأخر عمدتاً تفسیر آیاتی که محل اختلاف کلامی بین مذاهب اسلامی بوده، مورد توجه مطالعات تطبیقی قرار گرفته است که از این جمله می‌توان به: «تفسیر تطبیقی» فتح‌الله نجارزادگان، «بررسی تطبیقی آیات حدود» از علی‌رضا جمشیدی و سید جعفر حسینی، و نیز «تفسیر تطبیقی آیات الأحکام» از محمد فاکر میدی اشاره کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این مطالعات تطبیقی، وقتی رخ داده است که هرکدام از مذاهب اسلامی در حوزه‌های فقه، اصول فقه، تفسیر، رجال، حدیث و کلام، کتاب‌های ویژه و منحصر به فرد خویش را دارا می‌باشند و علاوه بر آن، تلاش شده که در ضمن کتاب‌هایی، به اشتراکات و افتراقات و البته ریشه آن‌ها پرداخته شود؛ ولی با نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری اسلامی می‌بینیم که در حوزه تاریخ منابع و مآخذ، با مذهب مورخان یا راویان، گزارش‌ها طبقه‌بندی نشده‌اند و تلاش درخوری در بازخوانی تاریخ دوران اسلامی از منظر گزارشگران یک

تحلیل این مسئله بپردازد؛ یعنی همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، نگارنده قصد دارد در این پژوهش، مسئله گزارش‌های مواد پیمان صلح امام حسن مجتبی (ع) با معاویه را در منابع منتخب فریقین (شیعه به اصطلاح عام و اهل سنت)^۱ به صورت تطبیقی مورد مطالعه، ارزیابی و سنجش قرار دهد. با توجه به اینکه منابع تاریخی در نقل گزارش‌های مواد صلح‌نامه یادشده با اختلاف‌های گسترده‌ای همراه هستند، نگارنده به دنبال مطالعه تطبیقی^۲ و تحلیل اخبار و گزارش‌های منابع شش قرن نخستین اسلام است تا از رهگذر این تطبیق، زمینه دستیابی به گزارش واقعی و صحیح در مورد مواد پیمان صلح را فراهم آورد و در ضمن، سودمندی مطالعه تطبیقی بین المذاهب اسلامی را با نشان دادن تفاوت فاحش گزارش‌های راویان شیعه و سنی، به اثبات برساند. در واقع، نگارنده در این مقام به دنبال پاسخ به این سؤال‌هاست که «گزارش‌های تاریخی منعکس شده در منابع فریقین تا قرن ششم در مورد مفاد صلح امام حسن (ع) با معاویه چه تفاوت‌ها و تعارضاتی با هم دارند؟ نقش آفرینی گرایش مذهبی مورخان در پیدایش اختلافات به چه میزان است؟ سودمندی مطالعات تطبیقی (مقارنه‌ای) در تاریخ چگونه ارزیابی می‌شود؟».

با توجه به آنکه مسئله این مقاله، تحلیل تطبیقی گزارش‌های صلح در منابع شش قرن نخستین اسلام است، بنابراین، به آثار و پژوهش‌های بعد از قرن شش و به‌ویژه آثار پژوهشی جدید در این عرصه ارجاع داده نشده و تحلیل‌های آن آثار، مورد بازخوانی و دقت قرار نگرفته است. البته گزارش‌های مربوط به صلح را در عموم منابع تاریخ اسلام و به‌ویژه

مذهب خاص مورد پژوهش قرار نگرفته است. این اثر که برگرفته از پژوهشی وسیع در گزارش‌های صلح امام حسن (ع) از منظر راویان شیعه و سنی است، تلاش دارد تا با بررسی موردی و مسئله‌محور، ضرورت مطالعات تطبیقی بین مذاهب اسلامی را در دانش تاریخ به اثبات برساند و پژوهشگران را به غفلت پیش آمده در آن، متذکر سازد.

۱. نگارنده در این مقاله، همه معتقدان به وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) را مصداقی از مصادیق اصطلاح شیعه در منابع مکتوب اسلام می‌داند؛ حتی با وجود اختلافات گسترده آن‌ها در شیوه اثبات وصایت (با نص جلی یا خفی)، پذیرش و نپذیرفتن مشروعیت خلافت خلفا و همچنین، اختلاف در وصایت و جانشینی فرزندان علی (ع)، در متن از این تعریف با عبارت شیعه به اصطلاح عام یاد شد؛ طبیعتاً واژه سنی نیز در این مقاله مسلمانانی خواهند بود که تعریف بالا از شیعه درباره آن‌ها صادق نباشد. در بیان مذهب مورخان، تنها مذهب مورخانی تبیین خواهد شد که تشیع یا تسنن ایشان محل اختلاف است؛ بنابراین، پیرامون مذهب مورخانی که اختلاف معتابیهی در مذهب آنان نیست، سخنی گفته نخواهد شد.

۲. جناب آقای علی اکبر نیک‌زاد در قالب یک مقاله به ضرورت و بایسته‌های مطالعات تطبیقی بین مذاهب پرداخته است (نیک‌زاد، علی اکبر، «مطالعات تطبیقی مذاهب؛ بایسته‌ها و ضرورت‌ها»، نشریه جبل‌المتین).

تاریخ امام حسن مجتبیٰ (ع) می‌توان یافت و بر اساس تتبع نگارنده، جز تواریخ عمومی، بیش از یک‌صدوپنجاه اثر به موضوع زندگانی امام حسن مجتبیٰ (ع) پرداخته‌اند که در این بین، تعدادی اثر ارزشمند و قابل توجه، به طور خاص به مسئله صلح امام حسن (ع) پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«الحیة السیاسیة لإمام الحسن (ع)» سیدجعفر مرتضی، «صلح الحسن (ع)» شیخ راضی آل یاسین، «صلح الإمام الحسن بین الواقع وظلم التاریخ دراسة تحلیلیة» یحیی عبدالحسن الدوخی، «المعاهدة بین الإمام الحسن (ع) ومعاویة بن ابی سفیان؛ قرأة فی نصوص اهل السنة» فاضل الفراتی، «سلوا الحسن (ع) عن صلحه؛ تساؤلات واجابات ملحة وضروریة فی هذا البحث» هشام آل قطیط، «فلسفه صلح امام حسن مجتبیٰ (ع)» علی راجی، «صلح الإمام الحسن (ع) وثورة الإمام الحسین (ع) من منظور السنن التاریخیة فی القرآن الکریم» محسن اراکی، «سیاسة السبطين یا صلح امام مجتبیٰ (ع) و قیام سیدالشهداء (ع)» خادم حسین فاضل ورسی، «صلح الإمام الحسن (ع)؛ اسبابه، نتایج، اشاره» محمدجواد فضل‌الله و بسیاری از آثار دیگر؛ اما جهت تبیین تفاوت مسئله این مقاله با نوشته‌های پیشین و در توصیف کلی منابع یادشده، یعنی در بیان تفاوت این پژوهش با آثار پیشین، باید به نکته‌های ذیل توجه کرد:

۱. هیچ‌کدام از آثار یادشده، مسئله صلح را به صورت تطبیقی بین فرق و مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار نداده‌اند؛
 ۲. منابع یادشده به موضوع صلح یا سیره سیاسی و اجتماعی و مشابه آن پرداخته‌اند؛ نه به موضوع سنجش گزارش‌های صلح؛
 ۳. در تحلیل این داده‌ها، به گرایش کلامی مورخان و رابطه آن گرایش‌ها با گزارش‌ها توجهی نشده است؛
 ۴. برخی از کتاب‌ها و تحلیل آن‌ها، رنگ‌وبوی تحلیل‌های اعتقادی دارند؛ نه تاریخی؛
 ۵. تقریباً در همه پژوهش‌های یادشده، محدودیت زمانی (انحصار منابع در منابع قرون اولیه) دیده نمی‌شود و نویسندگان به منابع متأخر نیز ارجاع‌دهی دارند.
- جهت توضیح بیشتر، باید گفت که عمدتاً آثار پیشین در مقام توصیف تاریخ سیاسی امام حسن بن علی (ع)، به‌ویژه صلح ایشان است؛ اما با نیم‌نگاهی به منابع این آثار روشن می‌شود که محققان آن‌ها، هیچ‌گونه تفکیک فرقه‌ای و مذهبی را در منابع آثارشان مورد

ملاحظه قرار نداده‌اند. نبود آثار تطبیقی پیرامون موضوع گزارش‌های صلح، در حالی است که آثار، در نقل حوادث دوران امام حسن علیه السلام متفق نیستند و در برخی از این اختلافات، شائبه تأثر مورخان از اعتقادات و گرایش‌های کلامی به ذهن متبادر است.

پیش از ورود به بررسی اختصاصی گزارش مواد در منابع فریقین و سپس انجام فرایند تطبیق و نتیجه‌گیری، لازم است ابتدا مواد پیمان صلح را در منابع شش قرن نخستین بررسی کنیم تا دورنمای کامل و روشنی از گزارش‌ها را به دست آوریم و سپس، با تکرار همین بررسی در منابع اختصاصی مورخان دارای گرایش شیعی و سنی، تفاوت‌ها و تشابه‌ها را در آن‌ها به دست آوریم تا شاید از این رهگذر، راهی برای کاهش اختلافات گزارش‌ها، و در ضمن، دستیابی به گزارشی قابل دفاع‌تر و قابل اعتمادتر از مواد پیمان صلح ارائه دهیم. البته بهره‌گیری از روش تطبیقی در پاسخ به سؤال این بحث، ثمره دیگری نیز دارد که مورد توجه نگارنده قرار گرفته است و آن، ارزیابی ثمربخشی مطالعات بین‌المذاهب در دانش تاریخ است که شاید به گمان بی‌ثمر بودن یا به دلایل دیگری، باوجود رواج این روش در بعضی از دانش‌ها چون حدیث و فقه، چندان مورد توجه محققان تاریخ قرار نگرفته است.^۱

طبقه‌بندی و تحلیل انعکاس مواد پیمان صلح در منابع شش قرن نخست هجری

بر اساس تتبع نگارنده در بین منابع موجود از میراث مکتوب فریقین، تنها شانزده منبع یافت شد که دارای گزارش از مواد پیمان صلح هستند و آن‌ها عبارت‌اند از:

الطبقات الکبری^۲، الإمامة والسیاسة^۳، أنساب الأشراف^۴، الأخبار الطوال^۵، تاریخ الطبری^۶، الفتوح^۷، مقاتل الطالبیین^۸، البدء والتاریخ^۱، علل الشرائع^۲، الإرشاد^۳، تجارب

۱. باوجود تبع جامع و کامل نگارنده در رساله خود - که مقاله حاضر از آن استخراج گردیده است - پیرامون مطالعات تطبیقی بین‌المذاهب در علوم اسلامی به گزارش درخور و ارزشمندی در این حوزه دست یافته نشد؛ جز آنکه نویسنده‌ای به مناسبتی در یک کتاب یا مقاله، به تحلیل تطبیقی اقدام کرده بود.

۲. محمدبن سعد، متوفای ۲۳۰ق.

۳. ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری، متوفای ۲۷۶ق.

۴. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، متوفای ۲۷۹ق.

۵. ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، متوفای ۲۸۱ق.

۶. محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ق.

۷. ابن اعثم کوفی، متوفای ۳۱۴ق.

۸. ابوالفرج اصفهانی، متوفای ۳۶۲ق.

الأمم^۴، زین الأخبار^۵، الاستیعاب^۶، إعلام الوری بأعلام الهدی^۷، مناقب آل أبي طالب^۸ و تاریخ مدینه دمشق^۹.

در منابع یادشده، گزارش منسجم و قابل اعتمادی که متن کامل پیمان صلح را ذکر کرده و مورد توافق مورخان قرار گرفته باشد، وجود ندارد. با بازخوانی گزارش‌های منابع می‌توان بیست‌ودو ماده را برشمرد که برای این پیمان نوشته شده‌اند. در یک نگاه اجمالی، می‌توان تعهدهای ذکر شده در منابع را با توجه به عنوان‌های کلی تعهد به شکلی که در ادامه خواهد آمد، طبقه‌بندی و تحلیل کرد.

طبقه‌بندی تعهدها تحت عنوان‌های کلی

الف. امان دادن به مخالفان

یکی از عنوان‌های کلی تعهدها، مسئله امان جان مخالفان معاویه است که در دو گزارش کلی بیان شده است؛ این دو گزارش، عبارت‌اند از:

۱. معاویه ملتزم گردید که همه مردم در امان باشند و او حق پیگیری شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها با شامیان را ندارد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸۵؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴).

۲. معاویه ملتزم گردید که شیعیان علی (ع) در امان بوده، کسی متعرض آنان نشود (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۷۳؛ ابن شهر آشوب،

۱. مطهر بن طاهر مقدسی، متوفای ۳۸۱ق.

۲. محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، متوفای ۳۸۱ق.

۳. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، متوفای ۴۱۳ق.

۴. ابوعلی مسکویه رازی، متوفای ۴۲۱ق.

۵. ابو سعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی، متوفای ۴۴۳ق.

۶. ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، متوفای ۴۶۳ق.

۷. فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ق.

۸. محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، متوفای ۵۸۸ق.

۹. علی بن حسن بن عساکر دمشقی، متوفای ۶۶۰ق.

۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳).

همان گونه که در مواد ناظر به امان ملاحظه می شود، مسئله امان یافتن جان مخالفان معاویه، از اصلی ترین مواد صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه به شمار می رود که در عموم منابعی - که به گزارش مواد صلح پرداخته اند - دیده می شود. البته نکته ظریفی در این گزارش ها دیده می شود و آن اینکه در منابع مورخان شیعی، تصریح به امان شیعه روشنی بیشتری دارد تا گزارش های مورخان سنی؛ فارغ از نکته یاد شده، امان جان مردم، یکی از تعهدهای قطعی معاویه در صلح با امام حسن علیه السلام به شمار می رود که در منابع قرون مختلف انعکاس یافته است.

ب. تعهدهای مالی

یکی از عنوان های پرتکرار و مناقشه برانگیز در مواد صلح یاد شده، مواد دارای تعهدهای مالی است که همان گونه که در گزارش های ذیل ملاحظه می شود، از متشددترین گزارش های مواد صلح است. در ادامه، ابتدا اصل گزارش ها بیان شده، سپس، تحلیلی از آن ها ارائه خواهد شد:

۱. بیت المال کوفه، برای امام حسن علیه السلام باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۱۵۹؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۷۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
۲. خراج فسا و دارابجرد، به صورت سالانه از آن امام حسن علیه السلام باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۷۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
۳. خراج اهواز، به صورت سالانه از آن امام باشد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۴. سالانه یک میلیون به امام حسین علیه السلام داده شود (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۵. معاویه در عطا و صلح، بنی هاشم را بر بنی عبد شمس مقدم بدارد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۶. معاویه تعهد کرد که اموال و ضیاعی به امام بدهد (مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶).
۷. معاویه متعهد شد بین اولاد آنان که در روز جمل و صفین در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیده اند، یک میلیون درهم توزیع کند و معاویه قبول کرد که این مبلغ را از

مالیات دارابجرد پیردازد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).

۸. معاویه سالیانه پنجاه هزار درهم به امام پیردازد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳). همان‌گونه که از سیر در منابعی که به انعکاس مواد صلح پرداخته‌اند، به دست می‌آید که در مجموع، هشت ماده مستقل در منابع شش قرن اول گزارش شده است که به نوعی دارای تعهد مالی است. البته گزارش مقدسی قابل جمع با سایر گزارش‌هاست و با آن‌ها تنافی ندارد؛ چراکه ایشان تنها به وجود تعهد مالی پرداخته^۱ و جزئیات آن را گزارش نکرده است؛ اما نسبت به سایر تعهدها، توجه به این نکته ضروری است که گزارش دو ماده از مواد یادشده، در منابع شش قرن نخست تکرار شده است؛ یعنی بیت‌المال کوفه و خراج فسا و دارابجرد.

نکته‌های نهفته در این گزارش، بدین شرح است که همه مورخانی^۲ که به انعکاس گزارش‌های بالا در منابع خود پرداخته‌اند، دارای گرایش مذهبی سنی هستند؛ جز ابوعلی مسکویه رازی. گزارش مسکویه نیز به‌عنوان گزارش شیعی پذیرفتنی نیست؛ یا به این دلیل که تشیع ایشان مورد مناقشه هست یا حتی بر فرض پذیرش تشیع مسکویه - که نگارنده نیز چنین می‌پندارد^۳ - با توجه به اینکه مسکویه گزارش‌های خود را در تجارب الأمم بدون ذکر اسناد از طبری اخذ کرده است^۴ و طبری نیز سنی است، بنابراین، گزارش وی را نمی‌توان گزارش شیعی دانست.

اما سایر گزارش‌های تعهدات مالی صلح یادشده، گزارش‌هایی هستند که تنها در یک منبع از منابع متقدم^۵ انعکاس یافته‌اند که عبارت‌اند از: خراج اهواز، پرداخت یک میلیون درهم به امام حسین (ع)، تقدم بنی‌هاشم بر بنی‌عبد شمس در صله - که صرفاً در اخبار الطوال ابوحنیفه دینوری در قرن سوم بدون ذکر سند گزارش شده و غیر ایشان، سایر منابع کهن بدان متعرض نشده‌اند - و همچنین، پرداخت سالیانه پنجاه هزار درهم به امام

۱. معاویه تعهد کرد که اموال و ضیاعی به امام (ع) بدهد (مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶).

۲. ابن سعد، طبری و ابن عساکر.

۳. ادله تشیع مسکویه، در پاورقی، ذیل عنوان «انعکاس مواد پیمان صلح در آثار مکتوب مورخان شیعی» به تفصیل بیان گردیده است.

۴. این مسئله، در همین مقاله ذیل عنوان «انعکاس مواد پیمان صلح در آثار مکتوب مورخان شیعی» به تفصیل بیان شده است.

۵. منابع شش قرن نخست.

حسن علیه السلام که ابن شهر آشوب در اواخر قرن ششم در حدود پانصد سال بعد از حادثه و بدون ذکر سلسله سند، آن را نقل کرده است.

ناگفته پیداست که چنین گزارش واحدی، چندان قابل تکیه نیست و در نهایت، آخرین ماده از گزارش مواد مالی، پرداخت یک میلیون درهم به بازماندگان جنگ‌های جمل و صفین از مالیات دارابجرد است که این ماده نیز تنها در قرن چهارم در گزارش صدوق انعکاس یافته است. نکته قابل توجه این گزارش، آن است که ممکن است گزارش مذکور با گزارش تعهد معاویه به پرداخت سالیانه خراج فسا و دارابجرد که ابن سعد، طبری و ابن عساکر گزارش کرده‌اند، ریشه یکسانی داشته باشد؛ اما این دو گزارش^۱ دارای مشابهت، تفاوت معناداری نیز با هم دارند و آن اینکه ذی‌نفع در این دو گزارش، متفاوت است؛ یعنی در گزارش منابع سنی، خراج دارابجرد از آن امام حسن مجتبی علیه السلام خواهد بود؛ ولی در گزارش صدوق شیعه، ذی‌نفع، بازماندگان شهدای جنگ‌های جمل و صفین هستند و خراج دارابجرد به آنان تعلق خواهد داشت؛ نه امام مجتبی علیه السلام، و تفاوت تصدیق و یا تکذیب هریک از این دو گزارش، در تحلیل شخصیت و انگیزه امام حسن علیه السلام مفید و مؤثر خواهد افتاد.

با بررسی سیر تاریخی منابعی که مواد مالی در آن‌ها گزارش شده است، تطوّر معناداری که در گذر زمان بر گزارش‌ها عارض شده باشد، به دست نمی‌آید؛ چراکه همواره مواد مالی - به شرحی که گذشت - در قرون مختلف در منابع منعکس شده است و فراز و فرود تفسیرپذیری در نقل آن‌ها ملاحظه نمی‌شود.

ج. تعیین تکلیف حکومت پس از معاویه

یکی از اموری که در گزارش‌های مواد صلح نقل شده، مسئله جانشینی معاویه است. همه منابعی که به این مسئله پرداخته‌اند، متفق‌القول‌اند که معاویه متعهد گردید برای خود جانشین انتخاب نکند؛ اما در بخش دوم این ماده، اختلاف وجود دارد؛ برخی گفته‌اند که امام مجتبی علیه السلام بر معاویه شرط کرد که امر حکومت بعد از معاویه، به شورای مسلمانان سپرده شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۴؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶) و گروهی دیگر نوشته‌اند که امام حکومت را به معاویه واگذار کرد؛ مشروط بر آنکه حکومت بعد از معاویه، از آن امام حسن علیه السلام باشد

۱. گزارش صدوق و گزارش ابن سعد و طبری و ابن عساکر.

(بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۴۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۸۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۲۶۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۸۴). نکته مورد توجه در این دو ماده متضاد، آن است که گزارش شرط جانشینی امام حسن (ع)، تنها در منابع اهل سنت گزارش شده است؛ اما واگذاری امر حکومت بعد از معاویه به شورا، هم توسط مورخان شیعه و هم توسط مورخان اهل سنت گزارش شده است؛ ولی همانند مواد تعهدهای مالی، تطور معناداری متأثر از گذر زمان در گزارش‌ها دیده نمی‌شود؛ چراکه هر دو گزارش، در دهه هفتم از قرن سوم در منابع منعکس شده‌اند و در سایر قرون، تا قرن شش در منابع همچنان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

د. ترک دشنام به امیرالمؤمنین علی (ع)

بر اساس گزارش‌ها، یکی از موادی که امام حسن (ع) در واگذاری حکومت به معاویه شرط کرد، ترک دشنام امیرالمؤمنین علی (ع) بود که توسط معاویه ترویج می‌شد؛ این ماده نیز از موادی است که در منابع شیعه و سنی از قرن دوم تا قرن ششم - که مورد بحث این مقاله است - انعکاس یافته است و به لحاظ سیر تاریخی، تغییراتی بر آن عارض نشده است؛ اما در این ماده نیز تفاوت فاحشی بین منابع شیعه و سنی دیده می‌شود و آن، قید مازادی است که در گزارش‌های منابع اهل سنت در این ماده ملاحظه می‌گردد؛ یعنی ترک دشنام مقید به حضور و سماع امام حسن (ع)؛ در حالی که چنین قیدی، در منابع شیعه دیده نمی‌شود. گزارش این ماده به تفصیل منابع از این قرار است:

۱. معاویه در حالی که امام حسن (ع) می‌شنود، امام علی (ع) را دشنام ندهد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۷۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۳: ۲۶۲).

۲. معاویه متعهد می‌شود که سب و دشنام به امیرالمؤمنین (ع) را ترک نماید (ابوالفرج، بی تا: ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۲۰۶؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۲۳۳).

ه. شروط روش حکومت‌داری

در بین مواد صلح، پنج ماده ذکر شده است که بیانگر شروطی است که امام حسن (ع) حکومت را مشروط به رعایت آن‌ها به معاویه واگذار کرده که به تفصیل عبارت‌اند از:

۱. معاویه در حکومت، به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و سیره خلفای صالح عمل کند

- (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن اُعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).
۲. معاویه متعهد گردید که به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ پایبند باشد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۴).
۳. معاویه برعهده گرفت که حقوق صاحبان حق، به آنان برسد و در بین مردم به عدالت رفتار نماید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶؛ طبرسی، ۱۳۸۷: ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۲۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴).
۴. معاویه متعهد شد تا فیه مردم را به آنها برساند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶؛ گردیزی، ۱۳۶۳ق: ۲۳۴).
۵. معاویه متعهد شد تا بر غنیمت‌های مردم بیفزاید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).

در مواد فوق، چند نکته دارای اهمیت هستند که به شرح ذیل می‌باشند:

۱. شرط عمل بر اساس قرآن و سیره پیامبر اسلام ﷺ، در منابع فریقین گزارش شده است؛ اما گزارش ابن شهر آشوب شیعه، تفاوت معناداری با گزارش مورخان اهل سنت دارد و آن، عبارت است از شرط عمل به سیره خلفا که در منابع اهل سنت در ادامه عمل به قرآن و سیره پیامبر ﷺ ذکر شده است؛ ولی ابن شهر آشوب از ذکر آن خودداری کرده است؛ شاید این تفاوت، در ناسازگاری این بخش از گزارش با گزارش نپذیرفتن شرط عمل به سیره خلیفه اول و دوم توسط امیرالمؤمنین علی ﷺ در شورای شش نفره بعد از مرگ خلیفه دوم ریشه داشته باشد. از نگاه شیعه که با داده‌های تاریخی نیز قابل اثبات است، چنین تفاوت روشی بین امیرالمؤمنین ﷺ و امام مجتبی ﷺ قابل پذیرش نیست؛ بنابراین، رد عمل به سیره شیخین توسط امام علی ﷺ، قرینه‌ای است دال بر درست نبودن چنین شرطی در واگذاری حکومت به معاویه.

۲. بین ماده سوم و چهارم از شرط‌های روش حکومت‌داری، هم‌پوشانی وجود دارد. در واقع، می‌توان ادعا کرد که ماده چهارم هم مصداقی از ماده سوم، یعنی عمل به عدالت است. این شرط هم در منابع دانشمندان شیعه مثل: مفید، طبرسی و ابن شهر آشوب، و هم در منابع مورخان سنی همچون ابن سعد و گردیزی آمده است.

۳. نکته پایانی این بند از مواد صلح، ماده‌ای است که ابن سعد گزارش کرده است و آن اینکه معاویه متعهد شد تا بر غنیمت‌های مردم بیفزاید. این ماده با وجود آنکه راوی آن ابن

سعد متوفای ۲۳۰ است و طبقات او در دسترس و توجه مورخان بعد از وی بوده است، اما این گزارش، مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد، این گزارش جهت توجیه فتوحات دوران معاویه ساخته شده باشد که در واقع، بیان این نکته باشد که معاویه به دلیل تعهدی که در واگذاری حکومت به وی برعهده گرفته بود، مکلف بود تا به فتوحات و کسب غنائم بپردازد و در نهایت، این ماده نیز به دلیل اقبال نکردن مورخان به گزارش آن، چندان قابل دفاع و صحیح به نظر نمی‌رسد.

و. سایر تعهدها

جز پنج دسته از مواد که ذکر و تحلیل آن‌ها گذشت و عبارت بودند از: امان، تعهدهای مالی، تعیین تکلیف حکومت بعد از معاویه، ترک دشنام امیرالمؤمنین علی (ع) و شروط روش حکومت‌داری، سه ماده دیگر نیز به صورت گزارش واحد ذکر شده‌اند:

۱. معاویه پذیرفت که امام حسن (ع) در حضور او اقامه شهادت نکند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).

۲. معاویه ملتزم شد که خود را امیرالمؤمنین نخواند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).

۳. معاویه ملتزم گردید که با مقام مشغول نگردد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴).

در بین این سه ماده اخیر، فارغ از جرح و تعدیل روات آن‌ها، گزارش‌های صدوق مستند به ذکر سلسله کامل راویان است؛ اما گزارش گردیزی، بدون ذکر سند نقل شده است. فارغ از این تفاوت، هر سه ماده از جهت توجه نکردن سایر مورخان قرون نخستین، شبیه یکدیگرند. با وجود استناد گزارش‌های صدوق، منعکس نشدن آن‌ها در سایر منابع متقدم، به بحث و تأمل نیازمند است.

انعکاس مواد پیمان صلح در آثار مکتوب مورخان شیعی^۱

از بین منابع یادشده که دارای گزارشی از مواد صلح هستند، نویسندگان هفت منبع دارای گرایش به تشیع هستند که آن منابع عبارت‌اند از: مقاتل الطالبیین^۲، الفتوح^۱، إعلام الوری

۱. مقصود از شیعه، در مقدمه و هنگام بیان مسئله پژوهش گذشت و در اینجا تنها مذهب مورخانی که در گرایش مذهبی آن‌ها تردید جدی وجود دارد، در پاورقی، مورد بحث واقع خواهد شد و گرایش مذهبی افرادی که مذهب آن‌ها روشن است، مورد بحث واقع نخواهد شد.

۲. با نگاهی اجمالی به کتاب مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی که شرحی از احوال کشته‌شدگان آل ابی طالب است،

بأعلام الهدی، علل الشرائع، تجارب الأمم^۲، مناقب آل أبي طالب و الإرشاد. مسکویه در تجارب الأمم در نقل حوادث، به ویژه گزارش های صلح، به تاریخ طبری تکیه دارد و خود نیز در شرح حوادث سال ۳۵۰ هجری می گوید: «در این سال، ابوبکر احمد بن کامل قاضی درگذشت. من تاریخ طبری را از او شنیده ام. وی از یاران ابوجعفر [طبری] بوده؛ خود از وی بسیار شنیده بوده است؛ ولی من از روایات طبری جز همین کتاب را از ابوبکر قاضی نشنیده ام که برخی به قرائت در نزد او و برخی به اجازه از او بوده است» (مسکویه، ج ۶: ۲۲۴). همچنین، با توجه به آنکه محمد بن جریر طبری نویسنده تاریخ طبری از معتقدان به مذهب اهل سنت و از علمای فقه و تفسیر آن مذهب به شمار می رود و نیز به جهت دقت در تحلیل تطبیقی بین المذاهب، از ذکر گزارش های مسکویه در بین گزارش منابع شیعی پرهیز خواهد شد.^۳

-
- گرایش شیعی وی را نشان می دهد. این مسئله، با توجه به اموی بودن او در نسب، شگفت انگیز است. باین حال، تشیع او، نوعی تشیع عراقی و شبه معتزلی است؛ نه تشیع امامی. بسیاری از رجال شناسان شیعه، از جمله: شیخ طوسی، علامه حلی و سید ابوالقاسم خویی، معتقدند که ابوالفرج اصفهانی، زیدی بوده است (طوسی، فهرست: ۲۸۰؛ حلی، خلاصة الأقوال: ۴۲۱؛ خویی، معجم رجال الحديث، ج ۲: ۳۹۸).
۱. یاقوت درباره ابن اعثم کوفی صاحب الفتوح می نویسد: «المورخ كان شيعيا وهو عند أصحاب الحديث ضعيف» (یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۲: ۲۰۲). در اعیان الشیعه آمده است: «ألف تاريخا قصصيا عن الخلفاء الأول وغزواتهم متأثرا بمذهب الشيعة» (امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲: ۴۸۱). آقابزرگ تهرانی نیز به نقل از یاقوت او را شیعه معرفی کرده است (الذریعة، ج ۳: ۲۲۱)؛ اما برخی دیگر، قائل به تسنن وی هستند؛ مامقانی (تنقیح المقال، ج ۵: ۳۳۵) و علامه مجلسی (بحار الأنوار، ج ۱: ۲۵)، او را سنی مذهب دانسته اند. قاضی نورالله شوشتری (مجالس المؤمنین، ج ۱: ۲۷۸) نیز او را شافعی می داند. برخی از محققان نیز با استناد به مدح و تمجید وی از عمر و ابوبکر، او را سنی می دانند (صفری فروشانی و توحیدی، «نقد و ارزیابی کتاب الفتوح با رویکرد به حادثه کربلا»، ۴۲-۴۳). در نهایت، نگارنده وجه جمع بین اقوال را در مذهب ابن اعثم، تشیع عراقی می داند که در ضمن اعتقاد به حرمت و خلافت خلفای اهل سنت، برخی اعتقادات خاص تشیع را نیز داراست.
۲. یاقوت، مسکویه را مجوسی نومسلمان خوانده است: «قال المؤلف وكان مسكويه مجوسيا وأسلم» (یاقوت، معجم الادباء، ج ۵: ۱۰). سید حسن صدر نیز در مورد مذهب وی می نویسد: «ومنهم الشيخ أبو علي بن مسكويه... صحب الوزير المهلبی، ثم عضد الدولة ابن بويه، ثم ابن العميد، ثم اتصل بانه، وكل هؤلاء من الشيعة، وقد نص علي تشيع ابن مسكويه غير واحد من المحققين، كالمرير محمد باقر الداماد والقاضي في الطبقات والسيد الخونساري في الروضات» (سید حسن صدر، الشيعة وفنون الإسلام: ۷۴). در نهایت، محمد علی مدرس می نویسد: «... بسیاری از نویسندگان متأخر، ابوعلی مسکویه را بر مذهب شیعه دانسته و بر تشیع او استدلال کرده اند» (ریحانة الادب، تبریز، ۱۳۴۹ش، ج ۸: ۲۰۷).
۳. ممکن است کسی بگوید که مسکویه گزارش های طبری را تلقی به قبول کرده است؛ بنابراین، گزارش های انعکاس یافته در تجارب الأمم در تحلیل گزارش های مورخان شیعه، قابل اغماض نیست که در پاسخ باید گفت، با

با بررسی گزارش‌های موجود در این منابع، به دست می‌آید که در مجموع، دوازده ماده از مواد بیست‌ودوگانه یادشده، در منابع شیعی شش قرن نخستین ذکر شده است. مواد یادشده، به قطع، از وزن و ارزش یکسانی برخوردار نیستند و این نکته نیز از فراوانی ذکر گزارش این مواد در منابع آشکار می‌شود. به صورت اجمال، گزارش‌های مواد صلح‌نامه در منابع شیعه، به ترتیب فراوانی گزارش‌ها از این قرار است:

۱. معاویه ملتزم گردید که شیعیان علی علیه السلام در امان بوده، کسی متعرض آنان نشود (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ أبو الفرج الأصفهانی، بی تا: ۷۵؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲۹۱).
۲. معاویه متعهد می‌شود که سب و دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام را ترک نماید (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ أبو الفرج الأصفهانی، بی تا: ۷۵).
۳. معاویه برعهده گرفت که حقوق صاحبان حق، به آنان برسد (طبرسی، ص ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴).
۴. مقرر گردید که امر حکومت بعد از معاویه، به شورای مسلمانان سپرده شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۴؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).
۵. معاویه ملتزم شد که خود را امیرالمؤمنین نخواند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).
۶. معاویه متعهد گردید که به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پایبند باشد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۱، ج ۴: ۳۴).
۷. معاویه متعهد گردید که به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره خلفای صالح عمل نماید (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).
۸. معاویه سالیانه پنجاه هزار درهم به امام بپردازد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳).
۹. معاویه متعهد شد که به بین اولاد آنان که در روز جمل و صفین در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیده‌اند، یک میلیون درهم توزیع کند و معاویه قبول کرد که این مبلغ را از مالیات دارا بجرد بپردازد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).

توجه به آنکه مسکویه در تدوین تجارب الأمم در قامت یک مورخ ظاهر نشده است، بلکه به عنوان یک فیلسوف تاریخ و همچنین، به عنوان استاد اخلاق به دنبال بهره‌برداری‌های اخلاقی و فلسفی از گزارش‌هاست، بنابراین، در صدد تحلیل و راستی‌آزمایی گزارش‌ها برنیامده است.

۱۰. معاویه پذیرفت که امام حسن علیه السلام در حضور او اقامه شهادت نکند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲).
۱۱. مسلمانان، علی العموم (شامیان، عراقیان، تهمامیان و حجازیان) در امان باشند (ابن اَثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).
۱۲. حسن بن علی علیه السلام و برادر او حسین علیه السلام و هیچ کس را از فرزندان، زنان، خویشان و متصلان ایشان و اهل بیت سید المرسلین را در سر و علانیه، در حق ایشان بدی نکند و بدی نگوید و ایشان را در کل احوال، هر کجا در اقطار دنیا باشند، ایمن دارد (ابن اَثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).
- همان گونه که ملاحظه می شود، بین موادی که در منابع شیعی نقل شده، اختلافات گزارش ها، هر چند کمتر شده است، اما همچنان اختلافات وجود دارد؛ از جمله:
۱. اختلاف ماده اول و یازدهم اینکه امان داده شدگان در صلح نامه، همه مردم هستند یا تنها شیعیان.
۲. بین ماده های ششم و هفتم نیز اختلاف وجود دارد که آیا پابندی به سیره خلفا نیز از جمله مطالبات امام و تعهد های معاویه بوده یا نه.
- همان گونه که ملاحظه می شود، وقتی مواد صلح را در گزارش های مورخان شیعی بررسی کردیم، میزان اختلافات و تشتت ها به میزانی قابل توجهی کاهش یافت و با حذف گزارش هایی که در بیش از یک منبع نقل نشده اند (بندهای پنجم تا دوازدهم)، اختلاف و تناقضی در بین مواد باقی نمی ماند. با رعایت این دو نکته، حذف گزارش های واحد و حذف گزارش های مورخان دارای گرایش به مذهب تسنن، مواد پیمان صلح از این قرار خواهد شد:
۱. معاویه ملتزم گردید که شیعیان علی علیه السلام در امان بوده، کسی متعرض آنان نشود (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ ابوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۷۵، ابن اَثم، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱).
۲. معاویه متعهد می شود که سب و دشنام به امیر المؤمنین را ترک نماید (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴؛ ابوالفرج الأصفهانی، بی تا: ۷۵).
۳. معاویه بر عهده گرفت تا حقوق صاحبان حق، به آنان برسد (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴).

۴. مقرر گردید که امر حکومت بعد از معاویه، به شورای مسلمانان سپرده شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۴؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱).

البته این به معنای پایان بررسی‌ها و اظهار نظر قطعی نیست؛ چراکه برای دستیابی به گزارش‌های قابل اعتمادتر حتماً به بررسی وثاقت راویان نیز نیازمند خواهیم بود که در این مقام، در صدد بررسی آن نیستیم و همان‌گونه که در این بخش ملاحظه می‌شود، وقتی گزارش‌های اختصاصی مورخان شیعی را بازخوانی کردیم، این نکته به روشنی آشکار شد که اختلافات و تناقض‌های مطرح‌شده در بازخوانی مواد صلح در منابع فریقین، از بین رفت و به متن منسجم‌تری از مواد صلح دست یافتیم.

انعکاس مواد پیمان صلح در آثار مکتوب مورخان سنی

از بین منابع یادشده که دارای گزارشی از مواد صلح هستند، نویسندگان نه منبع نیز دارای گرایش به مذهب تسنن هستند که عبارت‌اند از: الطبقات الکبری، تاریخ الطبری، الاستیعاب، الإمامة والسیاسة، أنساب الأشراف، الأخبار الطوال، البدء والتاریخ، تاریخ مدینه دمشق و زین الأخبار. با بررسی گزارش‌های موجود در آثار مکتوب مورخان دارای گرایش به مذهب تسنن، در شش قرن نخستین به دست می‌آید که در مجموع، شانزده ماده از مواد بیست و دو گانه یادشده، در آن منابع انعکاس یافته است؛ البته مواد یادشده، به قطع از وزن و ارزش یکسانی برخوردار نیستند و این نکته نیز از فراوانی ذکر گزارش این مواد در منابع آشکار می‌شود. به صورت اجمال، گزارش‌های مواد صلح‌نامه در منابع اهل سنت، به ترتیب فراوانی گزارش‌ها از این قرار است:

۱. حکومت بعد از معاویه، از آن امام حسن علیه السلام باشد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۸۴).

۲. شیعیان یا کوفیان یا همه مردم در امان باشند و معاویه حق پیگیری شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها با شامیان را ندارد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸۵؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸ق: ۲۱۸).

۳. معاویه در حالی که امام حسن علیه السلام می‌شنود، امام علی علیه السلام را دشنام ندهد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خاصه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).

۴. بیت المال کوفه، برای امام حسن علیه السلام باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
۵. خراج فسا و دارابجرد، به صورت سالانه از آن امام حسن علیه السلام باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۲۶۲).
۶. معاویه در حکومت، به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره خلفای صالح عمل کند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶).
۷. بعد از معاویه، امر حکومت به شورا واگذار گردد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶).
۸. در بین مردم به عدالت رفتار کند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).
۹. معاویه، فیء مردم را به آن ها برساند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).
۱۰. خراج اهواز، به صورت سالانه از آن امام علیه السلام باشد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۱۱. سالانه یک میلیون به امام حسین علیه السلام داده شود (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۱۲. معاویه در عطا و صلح، بنی هاشم را بر بنی عبد شمس مقدم بدارد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
۱۳. معاویه با مقام مشغول نگردد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴).
۱۴. معاویه تعهد کرد اموال و ضیاعی به امام علیه السلام بدهد (مقدسی، بی تا، ج ۵: ۲۳۶).
۱۵. معاویه بر غنیمت های مردم بیفزاید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).
۱۶. معاویه نباید آشکار و پنهان علیه امام حسن علیه السلام توطئه ای نماید (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲).

همان گونه که ملاحظه می شود، در بازخوانی مواد صلح در گزارش های مورخان اهل سنت، هر چند اختلاف و تشتت مواد کاهش یافته، اما اختلاف و تناقض و تشتت همچنان باقی است. ماده های اول تا نهم در بیش از یک منبع منعکس شده اند و گزارش ماده های دهم تا شانزدهم، هر کدام تنها در یک منبع وارد شده اند. به روال جاری در بحث از مواد پیمان صلح در منابع فریقین، و همچنین، بحث در منابع اختصاصی شیعه و با توجه به ضعف در واقع نمایی و اطمینان آور نبودن گزارشی که تنها در یک منبع منعکس شده و مورد

توجه سایر مورخان شش قرن نخست قرار نگرفته است، با حذف اخبار آحاد، بخشی از این تشتت و اختلاف را کاهش می‌دهیم. در نهایت، می‌توان گفت که مفاد صلح از منظر منابع مورخان سنی مذهب شش قرن نخست، از این قرارند:

۱. شیعیان یا کوفیان یا همه مردم در امان باشند و معاویه حق پیگیری شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها با شامیان را ندارد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸۵؛ ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۸).
 ۲. حکومت بعد از معاویه، از آن امام حسن (ع) باشد (مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۱؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۸۴).
 ۳. معاویه در حالی که امام حسن (ع) می‌شنود، امام علی (ع) را دشنام ندهد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
 ۴. بیت‌المال کوفه برای امام حسن (ع) باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
 ۵. خراج فسا و دارابجرد به صورت سالانه از آن امام حسن (ع) باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۵۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۶۲).
 ۶. معاویه در حکومت، به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و سیره خلفای صالح عمل کند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶).
 ۷. بعد از معاویه، امر حکومت به شورا واگذار گردد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۲؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۶).
 ۸. در بین مردم به عدالت رفتار کند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).
 ۹. معاویه، فیء مردم را به آن‌ها برساند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، خامسه ۱: ۳۲۶).
- بنا به ترتیب بالا، ماده یک در پنج منبع، و ماده دو در چهار منبع، گزارش شده‌اند. تعهدهای ماده‌های ۳، ۴ و ۵، در سه منبع از منابع یادشده منعکس شده است؛ اما تعهدهای ماده‌های ششم تا نهم، در دو منبع بیان شده‌اند. جدا از فراوانی انعکاس آن‌ها بعد از حذف گزارش‌هایی که در یک منبع آمده‌اند و همچنین، گزارش‌های مورخان شیعی و قبل از

بررسی وثاقت راویان، در نهایت، در بین دو ماده از بندهای بالا تعارض وجود دارد؛ یعنی در ماده‌هایی که به مسئله تعیین تکلیف وضعیت انتخاب حاکم بعد از معاویه پرداخته‌اند. در ماده اول که در پنج منبع ذکر شده بود، گفته شده که حکومت بعد از معاویه، از آن امام حسن علیه السلام باشد و در بند هفتم که در دو منبع بیان شده، سخن از شورای مسلمانان در تعیین حاکم است. همان‌گونه که در این بخش نیز ملاحظه می‌شود، وقتی گزارش‌های اختصاصی مورخان سنی را بازخوانی کردیم، این نکته به روشنی آشکار شد که اختلافات و تناقض‌های مطرح در بازخوانی مواد صلح در منابع فریقین، به شدت کاهش یافت.

نتیجه

از آنچه گذشت، به خوبی روشن گردید که وقتی گزارش‌های صلح را از منظر راویان یک مذهب خاص بازخوانی می‌کنیم، اختلافات و تشتت حاکم بر گزارش‌ها یا کامل از بین می‌رود (در منابع شیعه) یا اینکه به اندازه قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد (در منابع اهل سنت). وجود اختلاف در گزارش‌های فریقین و از بین رفتن آن در بازخوانی گزارش‌های هریک از مذاهب‌ها، بیانگر این نکته است که گزارش‌های مرتبط با صلح‌نامه امام حسن مجتبیٰ (ع) با معاویه، به طور عمیق از گرایش مذهبی مورخان و راویان آن متأثر است و بعد از آنچه بیان شد، اثبات این مسئله بدیهی به نظر می‌رسد و به استدلال نیازمند نیست؛ در ضمن، از بررسی سیر تاریخی گزارش‌ها چنین برداشت می‌شود که در گذر زمان، گزارش‌ها تطور و تغییر معناداری پیدا نکرده است و عمده تشتت حاکم بر گزارش‌ها، متأثر از گرایش مذهبی مورخان است؛ اما در بیان تفاوت خروجی نگاه مورخان شیعه و سنی به مسئله صلح، باید گفت که مهم‌ترین انگیزه و دغدغه‌های امام حسن (ع) در ماجرای صلح از منظر گزارش‌های شیعی، حفظ جان خود و شیعیان و همچنین حفظ نام نیک، عزت و شرافت امیرالمؤمنین علی (ع) و اجرای عدالت است و انگیزه و دغدغه ایشان از منظر مورخان سنی مذهب، حفظ جان عموم مردم، به دست آوردن حکومت بعد از معاویه، حفظ نام نیک، عزت و شرافت امیرالمؤمنین علی (ع) و به دست آوردن مال دنیا می‌باشد. وجه اشتراک این دو نگاه، حفظ نام نیک، عزت و شرافت امیرالمؤمنین علی (ع) و حفظ جان شیعیان است و وجه افتراق آن‌ها نیز دغدغه‌های مادی و به دست آوردن حکومت بعد از معاویه است.

منابع

- ابن سعد الهاشمی البصری، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبی طالب علیه السلام، علامه.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الجیل.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن قتیبة الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علی شیری، الطبعة الأولى، بیروت: دار الأضواء.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: نشر داوری.
- أبی الفرج الإصفهانی، علی بن حسین (بی تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة.
- آقابزرگ، محمد حسن (۱۳۰۴ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
- امین عاملی، محسن (۱۴۱۸ق)، اعیان الشیعة، چاپ اول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الفكر.
- الحموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۱۴ق)، معجم الأدباء إرشاد الأریب إلی معرفة الأديب، تحقیق: إحسان عباس، الطبعة الأولى، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۹۸۳م)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، بیروت: دار الزهراء.
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر

- مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی .
شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین (۱۳۷۷)، مجالس المؤمنین، چاپ چهارم، تهران: اسلامیة.
- صدر، سیدحسن (۱۳۸۵)، الشيعة و فنون الاسلام، تحقیق: سیدمرتضی میرسجادی، قم: مؤسسه السبطين عليه السلام العالمية.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله و توحیدی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»، پاییز، شماره ۲۳، ص ۳۵-۶۶.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، الطبعة القديمة، تهران: اسلامیة.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ طبری)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول (طبع جدید)، چاپ اول، قم: نشر ستاره.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة الحلی (خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال)، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر.
- الکوفی، ابومحمد احمد بن اعثم (۱۴۱۱ق)، الفتوح، علی شیری، الطبعة الأولى، بیروت: دار الأضواء.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود (۱۳۶۳)، زین الأخبار (تاریخ گردیزی)، تحقیق: عبدالحی حبیبی، چاپ اول، تهران: دنیاى کتاب.
- مامقانی، عبدالله و مامقانی، محی‌الدین (۱۴۱۳ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدرس، محمدعلی (۱۳۴۹)، ریحانة الادب، تبریز: انتشارات کتاب فروشی خیام.

٨٠ مطالعات تاريخي جهان اسلام

سال هفتم، شماره ١٣، بهار و تابستان ١٣٩٨

المسعودى، ابوالحسن على بن الحسن بن على (١٤٠٩ق)، مروج الذهب و معادن
الجواهر، تحقيق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
المسكويه الرازى، ابوعلى (١٣٧٩)، تجارب الأمم، تحقيق: ابوالقاسم امامى، الطبعة
الثانية، تهران: سروش.
مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق
مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: كنزها شيخ مفيد.
المقدسى، مطهر بن طاهر (بى تا)، البدء و التاريخ، تحقيق: بورسعيد، بى جا: مكتبة الثقافة
الدينية.